

فهرست مطالب

فصل اول: ورود شخص ثالث

۱. مفهوم ورود ثالث ۸
۲. مبانی و هدف از ورود شخص ثالث ۹
 - ۲-۱. پیشگیری از ضرر احتمالی ۹
 - ۲-۲. تحدید و استثناء بر اصل نسبیت در دعاوی ۹
۳. انواع ورود ثالث ۱۰
۴. شرایط ورود ثالث ۱۲
 - ۴-۱. رعایت مهلت ۱۲
 - ۴-۲. رعایت مرحله بدوی یا تجدیدنظر ۱۲
 - ۴-۳. رعایت ذی‌نفعی ثالث ۱۲
 - ۴-۴. رعایت ارتباط موضوع دعوا ثالث با دعوای اصلی ۱۳
۵. موارد تفکیک دعوای ورود شخص ثالث از دعوای اصلی ۱۴
۶. ترتیب رسیدگی به دعوا وارد ثالث ۱۹
۷. شرح و نقد مواد ۱۳۰ تا ۱۳۴ ق.آ.د.م ۱۳۷۹ ۲۰
۸. شرح مواد ۲۲۵ تا ۳۳۰ ق.آ.د.م فرانسه ۲۹
۹. مسائل دعوای ورود شخص ثالث ۳۳

فصل دوم: دعوای جلب شخص ثالث

۱. مفهوم جلب ثالث ۷۴
۲. شرایط پذیرش دعوای جلب ثالث ۷۵
۳. ترتیب رسیدگی به دعوای جلب ثالث ۷۶
۴. موارد تفکیک دعوای جلب ثالث با دعوای اصلی ۷۸
- الف) به استناد ماده ۱۳۹ ق.آ.د.م ۷۸
- ب) ارتباط یا دارای یک منشأ بودن ۷۹
۵. شرح ماده ۱۳۵ تا ۱۴۰ ق.آ.د.م راجع به دعوا جلب شخص ثالث ۸۱
۶. مسائل و اندیشه‌های قضایی راجع به جلب شخص ثالث ۹۲

فصل سوم: اعتراض شخص ثالث

۱. مفهوم اعتراض شخص ثالث..... ۱۱۶
- الف) اعتراض Objection..... ۱۱۶
- ب) اعتراض شخص ثالث..... ۱۱۶
۲. ماهیت اعتراض شخص ثالث..... ۱۲۰
- الف) نظریه فرض قانونی..... ۱۲۰
- ب) نظریه احتیاط..... ۱۲۱
- ج) نظریه توسعه یا تشابه..... ۱۲۲
- د) نظریه ایراد و اعتراض..... ۱۲۲
۳. مبانی و هدف از دعوی اعتراض شخص ثالث..... ۱۲۳
۴. انواع اعتراض شخص ثالث..... ۱۲۵
- ۴-۱. اعتراض شخص ثالث اصلی..... ۱۲۷
- ۴-۲. اعتراض ثالث غیراصلی..... ۱۲۹
- ۴-۳. از حیث اثباتی و اجرایی..... ۱۲۹
- ۴-۴. اعتراض شخص ثالث نسبت به عملیات اجرایی موضوع ماده ۱۶۹ تا ۱۷۲ آیین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی..... ۱۳۱
- ۴-۴-۱. اعتراض شخص ثالث نسبت به عملیات اجرا..... ۱۳۱
- ۴-۴-۲. ترتیب اجراء (موضوع ماده ۲۱ تا ۴۰ آیین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی)..... ۱۳۳
- ۴-۵. اعتراض شخص ثالث نسبت به دستور اجراء (موضوع مواد ۱ و ۲ ق اصلاح ق.ث و قانون دفاتر اسناد رسمی ۱۳۲۲)..... ۱۳۶
- ۴-۶. اعتراض شخص ثالث نسبت به نظریه رئیس ثبت (موضوع بند ۸ ماده ۲۵ ق.ث ۱۳۵۱)..... ۱۳۷
- ۴-۷. اعتراض شخص ثالث نسبت به آرای دیوان عدالت اداری (ماده ۵۷ ق دیوان عدالت ۱۳۹۲)..... ۱۳۸
- ۴-۸. اعتراض شخص (اصیل/ثالث) نسبت به ثبت ملک، تحدید حدود، حقوق ارتفاعی موضوع مواد (۱۶ تا ۲۰ ق.ث)..... ۱۴۱
- ۴-۹. اعتراض شخص ثالث نسبت به آرای کیفری (اعم از عمومی، انقلاب، نظامی و ویژه روحانیت) (موضوع رأی وحدت رویه ^{۸۱۸} ۱۴۰۰/۱۰/۲۷)..... ۱۴۳
- ۴-۱۰. اعتراض شخص ثالث نسبت به آراء داوری موضوع ماده ۱ ناظر به ۴۱۷ تا ۴۲۵ ق.آ.د.م..... ۱۴۶
- ۴-۱۱. اعتراض شخص ثالث بر حکم غیابی..... ۱۴۷

فهرست مطالب □ ۵

- ۴-۱۲. اعتراض شخص ثالث بر اعتراض شخص ثالث (اعتراض بر اعتراض) مستفاد از ماده ۶۰۸ ق.آ.د.م ۱۳۱۸ ۱۵۰
- ۴-۱۳. اعتراض شخص ثالث نسبت به حکم فرجامی (تمییزی) (ماده ۴۱۷ و ۴۱۸ ناظر به ۳۶۶ تا ۴۱۶ ق.آ.د.م) ۱۵۳
- ۴-۱۴. اعتراض شخص ثالث نسبت به آراء شورای حل اختلاف (موضوع ماده ۱، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۹، ۲۱ ق شورای حل اختلاف ۱۳۹۴) ۱۵۴
- ۴-۱۵. اعتراض ثالث به رأی صادره از دادگاه ویژه روحانیت ۱۵۵
- ۴-۱۶. اعتراض شخص ثالث نسبت به آرای صادره از دادگاه‌های نظامی (ماده ۱ ناظر به ۴۱۷ و ۴۱۸ ق.آ.د.م و رأی وحدت رویه شماره $\frac{۸۱۸}{۱۴۰۰/۱۰/۲۷}$ و قانون دادرسی نیروهای مسلح ۱۳۶۴/۲/۲۲ و مواد ۵۷۱ تا ۶۴۸ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲/۱۲/۴ با اصلاحات بعدی) ۱۵۶
- ۴-۱۷. اعتراض شخص ثالث نسبت به گزارش اصلاحی موضوع ماده ۱۷۸ تا ۱۹۳ ق.آ.د.م ۱۵۹
- ۴-۱۸. اعتراض شخص ثالث نسبت به آراء تعزیرات حکومتی (ق تعزیرات حکومتی مجمع تشخیص مصلحت نظام ۱۳۶۷/۱۲/۲۳ با اصلاحات بعدی) ۱۶۰
- ۴-۱۹. اعتراض شخص ثالث ارفاقی- احسانی موضوع رأی وحدت رویه $\frac{۸۳۱}{۱۴۰۲/۴/۱۲}$ ۱۶۱
- ۴-۲۰. اعتراض شخص ثالث نسبت به رأیی که پس از اعلام خلاف بین شرع (ماده ۴۷۷ ق.آ.د.م) ۱۶۲
- ۴-۲۱. اعتراض شخص ثالث نسبت به رأی شعب تحقیق اداره اوقاف موضوع ماده ۱۴ ق حج و اوقاف و امور خیریه ۱۶۴
- ۴-۲۲. اعتراض شخص ثالث نسبت به آراء کمیسیونها (ماده ۱۰۰ شهرداری، ۵۶ جنگلها و مراتع و ۱۲ زمین شهری و ...) ۱۶۶
۵. شرایط دعوای اعتراض شخص ثالث ۱۶۷
- ۵-۱. شرط اول- صدور رأی (حکم یا قرار) ۱۶۷
- ۵-۲. شرط دوم- ورود خلل ۱۷۱
- ۵-۳. شرط سوم- ثالث بودن ۱۷۳
- ۵-۴. شرط چهارم- درخواست رسیدگی برابر قانون ۱۷۴
- ۵-۵. شرط پنجم- رعایت شرایط دادخواست ۱۷۵
- ۵-۶. مهلت اعتراض شخص ثالث (اثباتی / اجرایی) ۱۷۶
۶. ترتیب رسیدگی به اعتراض شخص ثالث «آیین رسیدگی به اعتراض ثالث» ۱۸۲
۷. حقوق و تکالیف طرفین دعوای اعتراض ثالث ۱۸۷

۶ □ بایسته‌های: ورود ثالث؛ جلب ثالث؛ اعتراض ثالث؛

۸. آثار مترتب را اعتراض ثالث.....	۱۸۸
۸-۱. اثر تعلیقی (تأخیر) در اعتراض ثالث اصلی.....	۱۸۸
۸-۲. اثر تعلیقی (تأخیری) در اعتراض ثالث طاری.....	۱۹۱
۸-۳. اثر انتقالی در اعتراض ثالث.....	۱۹۲
۸-۴. اثر نسبی در اعتراض ثالث.....	۱۹۲
۸-۵. اثر ابقای یا النای (کلی یا جزئی) رأی موضوع دعوای اعتراض ثالث.....	۱۹۳
۸-۶. اثر ضمان‌آوری و ایجاد مسئولیت.....	۱۹۴
۹- تحلیل و تنقید و توصیف مواد ۴۱۷ تا ۴۲۵ ق.آ.د.م.....	۱۹۵
۱۰- در مسائل، اندیشه‌ها و رویه قضایی راجع به اعتراض ثالث.....	۲۲۴
فهرست واژگان.....	۳۲۱
فهرست منابع و مآخذ.....	۳۲۵

یا امر امر قانونی. به عبارت دیگر حکم آن است که اراده افراد بر خلاف جهت آن نافذ نیست. چنان که عمده قوانین امری را حکم و غیرامری را حق گویند. از سوی دیگر «حق» گاه در برابر «تکلیف» و گاه «حق» در برابر «بی‌حقی» استفاده می‌شود.

۲. مبانی و هدف از ورود شخص ثالث

۲-۱. پیشگیری از ضرر احتمالی - یکی از اهداف تأسیس و تجویز دعوای ورود شخص ثالث دفع ضرر احتمالی و پیشگیری از وقوع ضرر و جلوگیری از طرح دعوای دیگر و کاهش و تسریع در رفع اختلاف‌ها می‌باشد. به همین منظور پیش‌بینی اقدام به طرح دعوای شخص ثالث در دعوای بین اشخاص دیگر شده است. تا در آینده با تبانی خواهان و خوانده اصلی و یا در اثر سکوت ایشان با دادنامه‌ای به زیان خود روبرو نگردد.

از سوی دیگر تجویز ورود شخص ثالث در دعوایی بین اشخاص به بهانه این که ثالث برای خود مستقلاً حقی قائل و یا خود را در محق شدن یکی از طرفین ذی‌نفع بداند: اولاً زمینه و بستر تبانی جهت لوٹ کردن دعوای اصلی بین خواهان و خوانده را فراهم می‌سازد. ثانیاً خود ورود ثالث ناخودآگاه باعث تأخیر در رسیدگی می‌گردد. ثالثاً پذیرش ورود شخص عاملی برای دخالت ناروا و تجسس افراد در امور دیگران و باعث فساد در کسب اطلاع از امور اشخاص دیگر و نادیده گرفتن محرمانگی در دعاوی و قراردادهای اشخاص را فراهم می‌نماید. به همین جهت قانون‌گذار در ماده ۱۳۳ ق.آ.د.م به منظور پیشگیری از تبانی و یا تأخیر در رسیدگی، پیش‌بینی تفکیک در رسیدگی به دعوای اصلی از دعوای ورود ثالث کرده است.

۲-۲. تحدید و استثناء بر اصل نسبیت در دعاوی - با استفاده از اصل نسبیت بودن تعهدات و آثار مترتب بر آرای دادگاه‌ها، استثناء آن هنگامی است که با

(ب) شخص (ج) که اتومبیلی را از (ح) خریداری کرده است خود را در محق شدن (ب) ذینفع می‌داند. تقسیم‌بندی ورود ثالث به اصلی و غیراصلی (استقلالی و کمکی) در واقع برداشتی از صدر ماده ۱۳۰ ق.آ.د.م از عبارت «برای خود مستقلاً حقی قائل باشد و یا خود را در محق شدن یکی از طرفین ذینفع بداند.» می‌باشد نه این که قانونگذار مانند اعاده دادرسی ماده ۴۳۲ ق.آ.د.م و اعتراض ثالث ماده ۴۱۹ ق.آ.د.م به اصلی و طاری تقسیم کرده باشد. در نتیجه آثار مترتب بر اصلی و فرعی را نمی‌توان نسبت به آن قابل اعمال دانست.

۴. شرایط ورود ثالث

۴-۱. رعایت مهلت- به استناد ماده ۱۳۰ ق.آ.د.م «هر گاه شخص ثالثی در موضوع دادرسی اصحاب دعوای اصلی برای خود مستقلاً حقی قائل باشد یا خود را در محق شدن یکی از طرفین ذی‌نفع بداند، می‌تواند تا وقتی که ختم دادرسی اعلام نشده است وارد دعوا گردد...»^۱

۴-۲. رعایت مرحله بدوی یا تجدیدنظر- ماده ۱۳۰ ق.آ.د.م «..... چه این که رسیدگی در مرحله بدوی یا در مرحله تجدیدنظر باشد...»

۴-۳. رعایت ذی‌نفعی ثالث- ماده ۱۳۰ ق.آ.د.م «..... در محق شدن یکی از طرفین دعوا اصلی....» منظور از ذی‌نفعی در اینجا از حیث ذی‌نفعی شکلی است،

۱. ماده ۱۳۰ ق.آ.د.م مقرر می‌دارد: «هر گاه شخص ثالثی در موضوع دادرسی اصحاب دعوای اصلی برای خود مستقلاً حقی قائل باشد و یا خود را در محق شدن یکی از طرفین ذی‌نفع بداند، می‌تواند تا وقتی که ختم دادرسی اعلام نشده است، وارد دعوا گردد. چه این که رسیدگی در مرحله بدوی باشد یا در مرحله تجدیدنظر در این صورت نامبرده باید دادخواست خود را به دادگاه که دعوا در آنجا مطرح است تقدیم و در آن منظور خود را به طور صریح اعلان نماید.»

نه ذی‌نفعی ماهوی که پس از ختم دادرسی و اتخاذ تصمیم نفیاً یا اثباتاً مشخص می‌گردد. چنانکه فردی که جزء طبقه دوم از ورثه است با فرض وجود طبقه اول، ذینفع تلقی نمی‌شود.

۴-۴. رعایت ارتباط موضوع دعوای ثالث با دعوای اصلی - به استناد قسمت اخیر ماده ۱۴۱ ق.آ.د.م بین دو دعوا وقتی ارتباط کامل موجود است که اتخاذ تصمیم در هر یک مؤثر در دیگری باشد. مانند دعوای فسخ قرارداد با دعوای تحویل مبیع و یا الزام به تنظیم سند رسمی و یا دعوای تمکین با دعوای مطالبه نفقه و مانند آن.

بین دو دعوا اعم از این که هر دو اصلی و یا یکی اصلی و دیگری طاری باشد باید ارتباط کامل وجود داشته باشد و یا به عبارت دیگر رابطه مستقیم و منطقی در بین باشد. این ارتباط ممکن است ناشی موضوع و یا آثار مترتب بر آن دو دعوا پس از رسیدگی و صدور رأی باشد. بنابراین اگر بین دعوای اصلی با طاری رابطه و ارتباط منطقی از حیث موضوع و یا آثار نباشد امکان طرح دعوای ورود ثالث منتفی است و در این گونه موارد دو دعوا از یکدیگر تفکیک و جداگانه مورد رسیدگی قرار می‌گیرد.

۴-۵. تقدیم دادخواست و رونوشت مدارک و پیوست‌های آن به تعداد اصحاب دعوای اصلی به علاوه یک نسخه (مواد ۱۳۰ و ۱۳۱ ق.آ.د.م).

۴-۶. رعایت کلیه شرایط دادخواست موضوع (مواد ۱۳۰ و ۱۳۱ و ۵۱ و ۵۲ ق.آ.د.م).

۴-۷. پرونده اصلی مختومه نشده و در جریان رسیدگی باشد.

۴-۸. رعایت عدم مانع بودن رد یا ابطال دادخواست یا رد دعوای شخص ثالث در رسیدگی در مرحله تجدیدنظر (ماده ۱۳۴ ق.آ.د.م).

۴-۹. وصف خواهانی برای وارد ثالث چه در مرحله بدوی و چه تجدیدنظر (ماده ۱۳۴ ق.آ.د.م).

۱۰-۴. وضعیت شخص ثالث تبعی همان وضعیت شخصی که برای تقویت او وارد دعوا شده است. یعنی در موردی که شخص ثالث خود را ذینفع در محق شدن یکی از اصحاب دعوا می‌داند تابع متبوع خود است. چنانکه دعوای اصلی مسترد شود، دعوای وارد نیز از بین می‌رود و ساقط می‌گردد.

۵. موارد تفکیک دعوای ورود شخص ثالث از دعوای اصلی

در صدر ماده ۱۳۳ ق.آ.د.م آمده است: «هر گاه دادگاه احراز نماید که دعوای ثالث به منظور تبانی و یا تأخیر رسیدگی است و یا رسیدگی به دعوای اصلی منوط به رسیدگی به دعوای ثالث نمی‌باشد. دعوای ثالث را از دعوای اصلی تفکیک نموده به هر یک جداگانه رسیدگی می‌کند.»

عبارت «دادگاه احراز نماید که دعوای ثالث به منظور تبانی و یا تأخیر رسیدگی است.» منظور از «دادگاه» این است که دادرس دادگاه اعم از رئیس یا دادرس علی‌البدل است. چون دادگاه یک اتاق با تعدادی میز و صندلی است و از باب «وَ اسْتَلِ الْقَرْيَةَ الَّتِي كُنَّا فِيهَا وَ الْعِيرَ الَّتِي أَقْبَلْنَا فِيهَا وَ اَنَا لَصَادِقُونَ» آیه (۸۲) سوره یوسف است) «از آن روستا بپرسید» که مقصود اهل روستا و یا مردم آن است و از آن قافله کاروان بپرسید (یعنی افرادی که در آن قافله و کاروان هستند) تا صدق دعوای ما کاملاً معلوم گردد. بنابراین منظور از «دادگاه احراز نماید» یعنی قاضی دادگاه احراز نماید.

از سوی دیگر احراز قاضی دادگاه می‌تواند رأساً و یا در اثر ایراد خواننده یا خواندگان پرونده باشد. منظور از «تبانی» توافق و مشارکت بین دو یا چند نفر برای ارتکاب جرم نسبت به شخص یا اشخاص دیگر و یا اغفال و بردن مالی از شخصی را گویند.

«تبانی» در واقع اجتماع دو یا چند نفر برای انجام یا ترک فعل است که دارای

مفهومی دوگانه است و هم شامل کارهای نیک و خیر و هم بد و شر می‌گردد. واژه «تبانی» در زبان عربی استعمال نشده است و در فارسی به معنی قرار گذاشتن و به طور پنهانی، توافق دو یا چند نفر علیه شخص یا اشخاص دیگر است. این واژه در قوانین و نگارش حقوقی و عرفی بسیار استفاده شده ولی تعریفی از آن به عمل نیامده است.

ماده ۶۱۰ ق.م.ا مقرر می‌دارد: «هر گاه دو نفر یا بیشتر اجتماع و تبانی نمایند که جرایمی بر ضد امنیت داخلی یا خارجی کشور مرتکب شوند یا وسایل ارتکاب آن را فراهم نمایند در صورتی که عنوان محارب بر آنان صادق نباشد به دو تا پنج سال حبس محکوم خواهند شد.»

ماده ۶۱۱ ق.م.ا مقرر می‌دارد: «هر گاه دو نفر یا بیشتر اجتماع و تبانی بنمایند که علیه اعراض یا نفوس یا اموال مردم اقدام نمایند و مقدمات اجرایی را هم تدارک دیده باشند ولی بدون اراده خود موفق به اقدام نشوند حسب مراتب به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهند شد.»

ماده ۵۴۹ ق.م.ا مقرر می‌دارد: «هر کس که مأمور حفظ یا مراقب یا ملازمت زندانی یا توقیف شده‌ای باشد و مساعدت در فرار نماید یا راه فرار او را تسهیل کند یا برای فرار وی تبانی و مواضعه نماید. به ترتیب ذیل مجازات خواهد شد:

الف) اگر توقیف شده متهم به جرمی باشد که مجازات آن اعدام یا رجم یا صلب است و یا زندانی به یکی از این مجازات‌ها محکوم شده باشد به سه تا ده سال حبس و اگر محکومیت محکوم علیه حبس از ده سال به بالا باشد و یا توقیف شده متهم به جرمی باشد، که مجازات آن اعدام و حبس از ده سال به بالا به یک تا پنج سال حبس و چنانچه محکومیت زندانی و یا اتهام توقیف شده غیر از موارد فوق‌الذکر باشد به شش ماه تا سه سال حبس محکوم خواهد شد.

دادگاه‌های تجدیدنظر امکان تدارک طرح دعوای ورود ثالث با مشکل روبرو می‌شود و باعث نادیده گرفتن حقوق خواهانی و خواننده‌ای می‌گردد. اگر به جای عبارت «ترتیب دادرسی در مورد ورود شخص ثالث در هر مرحله چه نخستین یا تجدیدنظر برابر مقررات عمومی راجع به آن مرحله است» می‌آمد: «ترتیب دادرسی به دعوای ورود ثالث مانند دادرسی نخستین خواهد بود.» بی‌تردید بهتر بود.

۷. شرح و نقد مواد ۱۳۰ تا ۱۳۴ ق.آ.د.م ۱۳۷۹

ماده ۱۳۰- هر گاه شخص ثالثی در موضوع دادرسی اصحاب دعوای اصلی برای خود مستقلاً حقی قائل باشد و یا خود را در محقق شدن یکی از طرفین ذی‌نفع بداند، می‌تواند تا وقتی که ختم دادرسی اعلام نشده است، وارد دعوا گردد. چه این که رسیدگی در مرحله بدوی باشد یا در مرحله تجدیدنظر. در این صورت نامبرده باید دادخواست خود را به دادگاهی که دعوا در آنجا مطرح است تقدیم و در آن منظور خود را به طور صریح اعلان نماید.

۱. به استناد نظر مشورتی $\frac{۷/۱۳۲۰}{۱۳۸۳/۸/۲۱}$: «چنانچه احد خواندگان که سند قطعی ملک

به وی منتقل شده بعد از طرح دعوا ملک را به شخص ثالثی با سند عادی یا رسمی کلاً یا جزئاً منتقل کرده باشد و مراتب را نیز (به) دادگاه اعلام نماید. دادگاه جز رسیدگی به دعوا و اتخاذ تصمیم وظیفه دیگری ندارد. مگر این که شخص ثالث (منتقل‌الیه) به عنوان قائم مقام خوانده مذکور با تقدیم دادخواست وارد دعوا شده و دلایل خود را به دادگاه اعلام کند. در این صورت نیز دادگاه به دعوای مطروحه رسیدگی و با لحاظ ورود ثالث و ملاحظه مدارک وی تصمیم مناسب اتخاذ خواهد کرد.»

۲. نظر به این که با انتقال موضوع دعوا (ملک متنازع‌فیه) به شخص ثالث با توجه